

نقش قوامیت مرد بر کارآمدی نظام خانواده از دیدگاه مفسران

وابستگی سازمانی

دانش آموخته سطح ۲، حوزه علمیه کوثر صفادشت، ملارد، ایران

نویسندگان

ام البنین رجبی *

اطلاعات مقاله

این پژوهش با هدف بررسی نقش قوامیت مرد بر کارآمدی نظام خانواده از دیدگاه مفسران معاصر تدوین شده است. بررسی آیه ۳۴ سوره نساء نشان دهنده برداشت های متفاوت مفسران از نقش مرد در امور خانواده می باشد. بر این اساس شناسایی شبهات مربوط به این موضوع و همچنین بیان ویژگی های مدیریت مطلوب در خانواده از ضرورت پژوهش حاضر محسوب می شود. مساله اصلی پژوهش این است که از دیدگاه مفسران معاصر قوامیت مرد به چه صورتی بر کارآمدی نظام خانواده تأثیر گذاشته است؟ پژوهش حاضر به شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از متون اسلامی بدین نتیجه رسید که از دیدگاه مفسران معاصر، قوامیت مرد در قرآن به معنای نشانه برتری مرد نسبت به زن نیست، بلکه این اختلاف جنسیت بر مسئله تقسیم وظایف بین اعضای خانواده تأکید کرده است و از آنجا که مرد نقش سنگین تری در این حوزه نسبت به زنان دارد، بر این اساس قرآن کریم در مواردی صلاحیت در حوزه تصمیم گیری در امور خانواده را برعهده مرد قرار داده و با توجه به اهلیت و صلاحیت مردان به این مسئله پرداخته شده است و این قوامیت سبب پایداری و دوام و کارآمدی نظام خانواده می گردد.

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۱ - ۱۷

دوره ۱، شماره ۲ (شماره پیاپی ۲)

اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول ام البنین رجبی

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن ۰۹۳۰۰۴۰۳۱۷۶

ایمیل rajabiiii1373@gmail.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۰۷

تاریخ ویرایش ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

رجال، فضل، قوامیت، مفسران معاصر، نظام خانواده

واژگان کلیدی

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

رجبی، ام البنین (۱۴۰۵)، «نقش قوامیت مرد بر کارآمدی نظام خانواده از دیدگاه مفسران»، ماهنامه علمی فقه،

حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۳، (خرداد)، صفحات ۱- ۱۷

نحوه استناد

دهی

The Role of Male Authority on the Efficiency of the Family System from the Perspective of Commentators

Authors		Organizational Affiliation
Omm OlBaneen Rajabi*		Level 2 graduate, Kowsar Seminary of Safadasht, Malard, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	This study aims to investigate the role of male authority on the efficiency of the family system from the perspective of contemporary commentators. The study of verse 34 of Surah An Nisa shows the different interpretations of commentators about the role of men in family affairs. Accordingly, identifying doubts related to this issue and also expressing the characteristics of desirable management in the family are considered essential for the present study. The main issue of the study is: From the perspective of contemporary commentators, how has male authority affected the efficiency of the family system? The present study, using a descriptive and analytical method and using Islamic texts, concluded that from the perspective of contemporary commentators, the dominance of men in the Quran does not mean a sign of men's superiority over women, but rather this gender difference emphasizes the issue of dividing duties between family members. Since men have a heavier role in this area than women, the Holy Quran has in some cases assigned the authority to make decisions in family matters to men, and this issue has been addressed with regard to the competence and competence of men, and this dominance causes the stability, durability, and efficiency of the family system.
Pages	1 - 17	
Volume 1, Issue 3, Third Consecutive Issue		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Omm OlBaneen Rajabi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09300403176	
Email	rajabi1373@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/05/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Men, Fadl, Qawamit, Contemporary Commentators, Family System
		Description
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Rajabi, Omm OlBaneen (2026), <i>“The Role of Male Authority on the Efficiency of the Family System from the Perspective of Commentators”</i> , Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 3, third Consecutive Issue (June), pp. 1 – 17	

۱: مقدمه

خداوند شریعت خود را از طریق پیامبران بر اقوام و ملل گذشته به عنوان رهبران آن جوامع در زمینه سعادت و انسجام امور اجتماع قرار داد، تا آنها از طریق این وظیفه و رسالتی که بر عهده دارند، ملت ها را از آشوب و هرج و مرج رهایی بخشند. به همین دلیل هر جامعه نیاز به یک مدیریت و سرپرستی واحدی دارد تا از این طریق با تصمیم گیری های به موقع و همچنین برنامه ریزی هایی که انجام می دهد و هماهنگی هایی که بین اعضای آن صورت می پذیرد بتواند جامعه را از پراکندگی نجات داده و در جهت دستیابی به عوامل و اهداف عالی هدایت کند، این جامعه می تواند یک کشور، یک سازمان و یا یک خانواده باشد. همانگونه که خداوند متعال برای زن نقش همسر و مادر بودن را به عنوان یک نماد مهربانی و عطوفت قرارداده و عهده دار مدیریت عاطفی خانواده و تربیت فرزندان نموده است، برای مردان نیز وظیفه سرپرستی و همچنین مدیریت خانواده و از سوی دیگر مراقبت و محافظت از تک تک اعضای خانواده را برگزیده است. قرآن کریم در آیات مختلف به نقش مردان در محیط خانواده و همچنین وظایف و مسئولیت های آنها پرداخته است ولی یکی از آیاتی که مورد مناقشه مفسرین و همچنین اندیشمندان حوزه علوم قرآنی می باشد، آیه ۳۴ سوره نساء می باشد که به بیان نقش مردان در محیط خانواده با توجه به وظایف و مسئولیت هایی که دارند اشاره کرده و قوامیت آنها را در دایره مدیریت خانواده و مسئولیت خاصی که مردان در خانواده دارند را بیان می نماید. بررسی دیدگاه مفسران معاصر نشان دهنده این است که برخی از آنها نسبت به یکدیگر دیدگاه متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند، به طوری که برخی همچون علامه طباطبایی به نقش جنسیتی مردان و همچنین برتری که از لحاظ قوای جسمی و عقلی نسبت به زنان دارند را مورد توجه قرار داده اند و از این بابت نقش قوامیت مرد را مورد توجه قرار می دهد. از سوی دیگر برخی دیگر همچون آیت الله جوادی آملی نقش قوامیت مرد در امور خانواده را در حوزه انتظام بخشی به آن و رسیدن به اهداف آن در نظر می گیرد. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش قوامیت مرد در مدیریت امور خانواده و همچنین مشخص کردن ماهیت و قلمرو مدیریتی مرد در امور خانواده با توجه به دیدگاه مفسرین معاصر می باشد به طوری که بررسی آیه ۳۴ سوره نساء نشان دهنده برداشت های متفاوت مفسران از نقش مرد در امور خانواده می باشد از اهداف پژوهش محسوب می شود. از جمله مهم ترین مواردی که در این مسئله از دیدگاه مفسرین مورد بررسی قرار می گیرد مساله تأثیر قوامیت مرد بر پایداری نظام خانواده در این حوزه می باشد. بر این اساس این پژوهش بر آن است که تا با بررسی واقع بینانه این مسئله در نظام اسلامی و با تأکید بر آیه ۳۴ سوره نساء به رفع شبهات موجود در این زمینه پرداخته و با ارائه یک الگوی منظم در این زمینه به بررسی نقش مرد در اداره امور زندگی بپردازد. به بیانی دیگر بررسی رویکرد مفسرین معاصر در زمینه نقش قوامیت مرد در مدیریت خانواده نشان می دهد که برخی از آنها به مسئله مدیریت مرد در اجرای خانواده و نقش آن در رسیدن اهداف خانواده اشاره می کند و برخی از آنها به مساله قوامیت مرد بر اساس حوزه های جنسیتی تأکید می کنند. بررسی این مسئله می تواند بسیاری از شبهات مربوط به قوامیت مرد در حوزه خانواده و نقشی که مرد در مدیریت خانواده و بهبود اجرای امور داشته و نقشی که مرد وزن در جهت رسیدگی به اهداف زندگی دارند را رفع نماید. این پژوهش بر آن است که ابهامات موجود از این آیه شریفه برداشته شود و با توجه به تفسیر مفسران معاصر یک الگوی منسجمی در زمینه نقش مردان در اداره امور خانواده و مدیریت آن ارائه دهد.

۲: مفهوم شناسی

در این قسمت از پژوهش به بررسی مفاهیم اصلی پژوهش و کلید واژه های آن پرداخته می شود:

۲-۱: قَوَامِیت

واژه قوام صیغه مبالغه از ریشه (ق و م) می باشد. برخی از اهل لغت در معنای قیام می نویسند: قیام به معنای محافظت است؛ و قد یجیء القیام به معنی المحافظة و الاصلاح. (ابن منظور، ۱۴۱۲: ۴۹۷) برخی دیگر نیز می گویند: مرد عهده دار آن چیزی شود که زن نیاز دارد و «قَامَ أَهْلُهُ قِیَامًا: قَامَ بِشَأْنِهِمْ» یعنی شأن آنها را متکفل شد. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۹۰) راغب در مفردات می گوید: قیام جمع قائم است، یعنی به پا خاسته و قیام

و قوام اسمی است برای آنچه که چیزی را برپا می‌دارد و ثابت می‌کند. مثل: عماد و سناد، در مورد چیزی که به آن اعتماد و تکیه می‌شود؛ تکیه گاه، ستون، پایه و اساس، سرپرست خانواده، حافظ و نگهدارنده. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۰) در قاموس قرآن نیز آمده مراد از قوام در آیه قیم و قائم به امر و سرپرست است. (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۵۱) در اقرب الموارد به صراحت می‌گوید: قوامیت همان رعایت و کفالت است، نه ولایت و سلطنت. (سعید الخوری شرتونی، ۱۴۱۲: ۴۴۴) و لغت شناس دیگری می‌نویسد: قوامیت مرد بر زن یعنی به او مصونیت داد و به امور او پرداخت. (محب الدین حسینی الواسطی الزبیدی، ۱۴۱۲: ۵۹۲) علامه طباطبایی (ره)، با توجه به معنی لغوی ماده قوم می‌گویند: قیم به کسی که تدبیر همه امور دیگری را بر عهده دارد، اطلاق می‌گردد و قوام و قیام مبالغه در قیومیت است. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۳۴۳) البته عده ای بر این عقیده اند که در رابطه بین زن و شوهر، قوام به معنای قیم نیست، زیرا قیم در فقه و حقوق درباره یتیم و محجور مطرح است. یتیم صغیر یا سفیه و محجور توانایی اداره خود را ندارد پس افراد دارای شرایطی، اداره امور زندگی آنها را عهده دار می‌شوند. در اصطلاح فقهی عهده داران را قیم گویند اما زن، صغیر و سفیه یا محجور نیست که نتواند امور خود را عهده دار گردد، او از همه حقوق انسانی همچون مرد برخوردار است؛ آنچه مطرح است مدیریت خانواده است که با ازدواج زن و مرد شکل گرفته است و همان گونه که اجتماع سرپرست و مدیر می‌خواهد در خانواده نیز مرد، مدیریت، سرپرستی، سازماندهی و برنامه ریزی را بر عهده دارد. (جعفری، ۱۴۲۳: ۲۷۱) رشید رضا نیز به نقل از استاد خود (محمد عبده) می‌نویسد: منظور از قیام همان ریاست است اما مرئوس، بر اراده و اختیار خود باقی است؛ به عبارتی مرئوس مسلوب الاراده نمی‌شود ولی اعمال او زیر نظر رئیسش است پس در واقع شخصی که قیم است باید به ارشاد، مراقبت و تربیت فرد تحت سرپرستی خود بپردازد (رشید رضا، ۱۴۱۲: ۵۶) در نتیجه طبق آنچه بیان شد قوامیت به معنای ایستادگی بر امور، کارها و نیازهای زن است؛ اما تفصیل این کارها در لغت نیامده، ولی در تعبیرهای مفسران مواردی مانند آموختن، پرورش دادن، تأدیب و تدبیر، نظارت بر رفت و آمد، مواظبت در خانه، منع از بیرون رفتن از خانه در صورتی که خلاف مصلحت خانواده باشد و ... آمده است. به عبارتی آنچه که در حفظ تعادل شخصیت زن و تامین نیازهای روحی و جسمی او و در نتیجه قوام و سازمان و سامان خانواده دخالت دارد در محدوده قوامیت می‌گنجد.

۲-۲: فضل

در کتب لغت آمده که «الْفَضْلُ: مَعْرُوفٌ وَ هُوَ ضِدُّ النَّقْصِ» معنای فضل روشن است و آن ضد کمی و کاستی است «فَضْلُهُ عَلَى غَيْرِهِ تَفْضِيلٌ: مَزَاءٌ، أَيْ أُثْبِتَ لَهُ مَزِيَّةٌ أَوْ خَصْلَةٌ تَمَيِّزُهُ عَنْ غَيْرِهِ» یعنی او را تفضیل داد بر دیگری و مزیتی را برای او ثابت کرد، یا خصلتی که او را از دیگری جدا کرد. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۵۷)

۳: عوامل تحکیم خانواده در اسلام براساس قوامیت مرد

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در ذیل به مهم‌ترین آنها پرداخته شده‌است:

۳-۱: مدیریت در خانه

یکی از موارد مهمی که در زمینه مدیریت مرد در خانه مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است مربوط به آیه ۳۴ سوره نساء می‌باشد. به طوری که بر مبنای این آیه، مردان به عنوان نگهبان و سرپرست زنان به شمار می‌آیند، چرا که زنان هم به عنوان نگهبان و سرپرست اموال مردم به حساب می‌آیند و این نشان دهنده این مسئله است که این آیه هرگز به نشانه این نیست که برتری انسانی و فضیلت معنوی مردان را بر زنان را یادآور شود بلکه آنچه در این آیه در زمینه تفاوت میان زن و مرد اشاره شده این مسئله است که: اولاً باید امور خانواده به نحو مطلوب مدیریت شود به طوری که اگر هماهنگی در زمینه اداره امور خانواده صورت می‌گیرد زندگی در مسیر درستش هدایت می‌شود ثانیاً این اختلاف استعدادها به خاطر پذیرش مسئولیت و نقش‌هایی که هریک از طرفین در زندگی دارند مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است. پس این مسئله معیار برتری و فضیلت مردان بر زنان در زمینه مدیریت امور خانواده می‌باشد و ناشی از برتری یک انسان برای انسان دیگر و همچنین برتری معنوی مردان بر

زنان نیست، بلکه تنها یک مسئولیت اجرایی است که این مسئله را در حوزه مدیریت خانواده مورد توجه قرار داده است. پس باید اشاره کنیم که توانایی مرد در مسائل اجتماعی و امور اقتصادی با توجه به توانمندی هایی که از لحاظ جسمی و روانی دارد بسیار بیشتر از زنان می باشد و آنها به راحتی می توانند از عهده تامین نیازهای زندگی و اداره زندگی برآیند. به طوری که آنها به واسطه برخورداری از این توانمندی ها تامین هزینه های فرزندان و زن خود را بر عهده دارند. بنابراین سرپرستی و مدیریت منزل بر عهده مرد می باشد و این مسئله به هیچ عنوان به معنای برتری مردان بر آنها نیست. از سویی اطاعت و پیروی زنان از مردان امری است که خداوند به آن فرمان داده است ولی اگر مردی زنش را به معصیت حکم کند، اختیارات وی در زمینه فرمانبرداری از وی سلب می شود. موضوع دیگری که از این آیه برداشت می شود این است که مرد تعهد دارد از جان و مال و نفس همسر خویش همان جان و مال و نفس خود مراقبت نماید، به طوری که از نظر اسلام زن و همسر انسان به منزله جان خود تلقی می شود و تعهد اداره امور آن بر عهده مرد واگذار شده است، بدین ترتیب مرد به هیچ عنوان نباید زنان را توهین و تحقیر کند و از سوی دیگر تعهد مرد در این ارتباط با توجه به وظایف الهی که برعهده اش می باشد، چندین برابر مورد توجه قرار می گیرد. از سویی باید اشاره کنیم که چیزی که باعث برتری یک انسان بر انسان دیگر می شود، مربوط به تقوای آن انسان است و هر کسی که با تقوا تر است در نزد خدا جایگاه و منزلت بالاتری نسبت به سایر انسان ها دارد.

۳-۲: حسن معاشرت

یکی دیگر از مواردی که در حوزه تحکیم بنیان خانواده در اسلام مورد توجه قرار گرفته است، مربوط به حسن معاشرت در امور خانواده می باشد. به طوری که یکی از ویژگی های انسان نیاز به معاشرت می باشد و معاشرت یکی از خلقیات الهی انسان می باشد که به موضوع محبت دیدن و محبت ورزیدن تاکید می کند. بر این اساس معاشرت یک نوع تلاشی است که بر پایه عشق و محبت بنا شده است و بهترین انگیزه انسان برای تداوم زندگی محسوب می شود. اگرچه انسان ها برخی از مواقع در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می روند ولی عشق های صوری و حتی باطل این خاصیت را در خود دارند که انسان را به تلاش و تکاپو و دارند و امیدوار نگه کنند. خداوند متعال در حوزه رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی در خانواده ها مسئله معاشرت را مورد توجه قرار داده است، طوری که معاشرت نقش اساسی در رفتارهای مناسب انسانی در امور خانواده دارد. به گونه ای که زنان و مردان باید در حوزه انجام امورات زندگی از انجام رفتار پسندیده انسانی نسبت به یکدیگر کوتاهی نورزند که این مسئله در آیه ۵ سوره نسا و همچنین در آیه ۱۹ این سوره مورد توجه خداوند متعال قرار گرفته است.

۳-۳: مساله نشوز زنان در قوامیت مرد

علامه طباطبایی نشوز را عصیان و سرپیچی از اطاعت معنا کرده و معتقد است مراد از خوف نشوز، پیدایش تدریجی علائم ناسازگاری زن هست و اینکه در جمله «فَعِظُوهُنَّ» آیه ۳۴ سوره نساء، فای تفریع را آورد؛ و موعظه را نتیجه ترس از نشوز قرار داد، نه از خود نشوز، شاید برای این بوده که رعایت حال موعظه را در بین علاج های سه گانه کرده باشد و بفهماند از میان این سه راه علاج، موعظه علاجی است که در حال نشوز، قبل از نشوز و هنگام پیدا شدن علامت های آن مفید واقع می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۵۴۵) آیت الله جوادی آملی توضیح می دهد که نشوز؛ سربرداشتن همسر از تمکین نسبت به وظایف متقابل همسری است که زن در صورت عدم تمکین در آمیزش، ناشزه نامیده می شود. مراد از خوف نشوز نیز آشکار شدن نشانه های نشوز است که با نمایان شدن آن، با ظهور نشانه های سرپیچی و نافرمانی از طاعت، مراحل تأدیب مترتب می شود و سر آن این است که موعظه جهت ترمیم علامت نشوز راه گشاست و زدن و تنبیه بدنی به سبب آشکار شدن نشوز و عدم تأثیر پند و اندرز و قهر و جدایی بر زن ناشزه است. (جوادی آملی، ۱۴۱۲: ۵۴۸) با تأمل در این تفاسیر پیرامون خوف نشوز، اینگونه استفاده می شود که موعظه مربوط به مرحله ترس از نشوز بوده و با افزایش خوف نشوز مراحل تأدیب نیز سخت تر شده، تا جایی که این خوف نشوز تبدیل به نشوز می شود و مرحله آخر تأدیب که تنبیه بدنی است رخ می دهد، بنابراین می توان گفت در اینجا مراد از خوف نشوز، خوف متصله هست که با مراحل تأدیب هماهنگی دارد.

۴: پایداری و استحکام خانواده بر اساس معیارهای قوامیت مردان بر زنان از دیدگاه مفسران

یکی از مواردی که نقش مهمی در پایداری و استحکام خانواده دارد، مربوط به دلایل قوامیت مردان بر زنان و نقشی که مردان به واسطه آن قوامیت، در امور اجرایی خانواده انجام می دهند و به واسطه آن سبب پایداری بنیان خانواده می گردند؛ می باشد. از آنجا که حرف «باء» در جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» و جمله پس از آن «بِمَا أَنْفَقُوا»، بای سببیت و متعلق به قوامون است و حرف «واو» در «وَمَا أَنْفَقُوا»، عاطفه و کلمه «ما» در این جمله ها موصوله و یا مصدریه است. (کریمی حسینی، ۱۴۱۲: ۸۴) بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، دو عامل اساسی را علت ولایت و سرپرستی مردان بر زنان برشمرده اند به طوری که این معیارها نقش کلیدی در استحکام و کارآمدی بنیان خانواده دارند که عبارتند از:

۴-۱: موهبت فطری و ذاتی

مسائلی که در حوزه پایداری و استحکام خانواده بر مبنای آیه ۳۴ سوره نسا مورد توجه قرار گرفته است، مربوط به این است که برتری مردان بر زنان در زمینه مدیریت خانواده یک محبت فطری و الهی می باشد، به طوری که این محبت از سوی پروردگار به مردان ارزانی شده است و بر اساس آن مردان در بسیاری از امور بر زنان برتری یافته اند. توانمندی مردان در اموری همچون کمال عقل و همچنین تدبیر امور و توانمندی های جسمی و روحی و همچنین در زمینه هایی همچون دوراندیشی و انجام مسائل علمی و عبادی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. این اساس بر مبنای این امور فطری و ذاتی، مقام شامخ نبوت و رسالت و امامت یک جامعه و ولایت بر عهده مردان آن جامعه گذاشته شده است. (سبزواری نجفی، ۱۴۱۲: ۲۸۵)

۴-۲: حق اکتسابی

یکی دیگر از عواملی که باعث پایداری و استحکام امور خانواده و همچنین تقویت بنیان اجتماعی جامعه اسلامی می شود مربوط به توانایی ها و برتری هایی که مردان در حوزه های خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و بخصوص در تامین نیازهای اجتماعی و خانوادگی دارند، می باشد. به طوری که مردان بر مبنای وظایفی که در حوزه اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی دارند، مسئول اجرایی امور خانواده می شوند، به طوری که مردان به دلیل پرداخت مهریه و نفقه زنان و از سوی دیگر انجام وظایف سنگین، مسئولیت و مدیریت را در حوزه اجرایی خانواده بر عهده دارند. بر این مبنا باید اشاره نمود که مهمترین توضیحاتی که مفسرین در حوزه معیارهای برتری مردان و زنان و نقشی که این معیار و برتری بر بنیان و استحکام خانواده گذاشته است شامل موارد گوناگونی می باشد. اول اینکه فزونی قدرت تعقل مردان و زنان باعث می شود که بنیان امور خانواده و بر مبنای عقلانیت پیش رود و از آنجا که مردان از عواطف و احساسات که زنان از آن برخوردار هستند می توانند وظایف را به نحو احسن و به دور از جنبه عاطفه و احساس و بر مبنای قوه تعقل انجام دهند به طوری که از دیدگاه علامه طباطبایی مراد از بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ همان برتری بودن قوه تعقل و نقشی که مرد در انجام کارهای سخت و سنگین دارد می باشد و اشاره می کند که طایفه مردان به دلیل داشتن عقل نیرومندی و همچنین به دلیل ضعف عواطف از زنان بالاتر هستند. از این رو اسلام هرگز هیچ قومی را برای هدایت در اختیار زنان قرار نداده است و به هیچ زنی منصب قضا هم اعطا ننموده است، از سویی زنان با توجه به شرایطی که از آن برخوردار هستند برای جبهه و جهاد از آنها دعوت نشده است. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۳۴۶) مسئله دوم در این حوزه مربوط به این است که با توجه به اینکه باورهای دینی مردان در مقایسه با زنان قوی می باشد این مدیریت بر عهده آنان قرار داده شده است، چرا که زنان به دلیل برخورداری کمتر از عقل و دیانت نمی توانند عهده دار این نقش شوند. بر این اساس آن ها در ایام حیض از نماز و روزه محروم می باشد و بر این مبنا مردان می توانند با توجه به خردمندی و برخورداری از فضیلت های الهی مدیریت امور خانواده را به نحو احسن انجام دهند. سوم اینکه با توجه به اینکه شهادت مردان در حوزه محاکم قضایی و حقوقی پذیرفته می شود در حالی که شهادت زنان به تنهایی قابل و پذیرفته نیست بر این اساس در این حوزه مفسرین بر این عقیده اند که مردان با توجه به این مقوله حقوقی بر زنان برتری دارند. مسئله چهارم مربوط به حق تصرف در اموال و تجارت می باشد و مورد پنجم مربوط به بحث جهاد مردان و معافیتی که زنان در

حوزه جنگی دارند باعث این برتری مردان شده است. از سوی دیگر می‌توان به مسئله تعدد زوجات و حق طلاق که در اختیار مردان قرار داده شده است و همچنین فزونی مردان در ارث و دیه و از سوی دیگر بحث رسالت نبوت امامت و مسائل مربوط به حکومت دینی که مختص مردان می باشد (مظهری، ۱۴۱۲: ۹۷) همگی بیانگر این مسئله است که از آنجا که مردان در حوزه اجتماعی از این درایت و کاردانی در اداره امور برخوردارند در حوزه امور خانوادگی نیز از این توانمندی برخوردار است که مدیریت امور خانواده را برعهده بگیرند (مصطفوی، ۱۴۱۲: ۳۶۰) به طوری که آنها بر مبنای این توانمندی می توانند مخارج زندگی اجتماعی را تامین نمایند و نفقه زنان را بپردازند. بدین ترتیب با توجه به این توضیحات و علت هایی که مفسرین شیعه و همچنین اهل سنت در حوزه واگذاری سرپرستی و قیمومیت زنان بر مردان اشاره می کنند باید بیان کنیم که با توجه به توانمندی هایی که مردان از لحاظ عقلی در مدیریت امور و از سوی دیگر در انجام بخشی در حوزه های اجتماعی دارند و سوی دیگر با توجه به توانمندی که در انجام امور سخت و روزمره زندگی دارند مسئولیت انجام امور اجتماعی را نیز آنها بر عهده دارند و این فرآیند باعث شده است که آنها رکن اصلی را در مدیریت خانواده بر عهده داشته باشند که فرایند باعث رشد و استحکام زندگی خانوادگی شده به طوری که بر مبنای این توانمندی ها، خداوند تکالیفی را بر عهده آنها در حوزه امور خانوادگی و اجتماعی قرار داده است، که بر مبنای این تکالیف و وظایف بنیاد امور خانواده به سمت سعادت و خوشبختی در حرکت می‌باشد.

۵: بررسی تفاسیر اندیشمندان اسلامی درباره قوامیت مرد در پایداری امور خانواده

در این بخش از پژوهش به بررسی تفاسیر اندیشمندان اسلامی درباره قوامیت مرد در پایداری امور خانواده خواهیم پرداخت.

۵-۱: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر قرآن العظیم

یکی از تفاسیری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر قرآن کریم نوشته ابن ابی حاتم می‌باشد به طوری که وی براساس روایتی از احادیث پیامبر اکرم (ص) و برداشتی که از آیه ۳۴ قرآنی سوره نساء دارد به مساله فرمان برداری زنان از مردان در اموری که به فرمان الهی می‌باشد اشاره می‌کند و مراد از قوامیت به خاطر بذل مال مرد به همسرش می‌باشد. یونس بن حبیب به روایت از ابوهریره نقل می‌کند که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرمود: بهترین زن آنست که چون به وی نگرستی ترا خوشحال کند زیبا باشد چون به وی فرمان دهی فرمان برده، و چون بروی قسم خوری، چیزی که بر آن قسم خورده ای انجام دهد و نگذارد قسمت بشکند، و چون از او غائب گردی در غیبت تو بر ناموس و مال خویش، ایمن باشی خیانت ناموسی و مالی بتو نکند: و سپس این آیه را می خواند: «مردان تا آخر آیه زمامدار زنان هستند. بر مبنای این تفسیر مشاهده می‌شود که قوامون به معنای فرمان برداری و وفاداری زنان در پذیرفتن اوامر مردان براساس دستورات الهی می‌باشد از سویی در این تفسیر بر وفاداری زنان که از صفات زنان خوب است، تأکید ویژه شده است. از سویی اشاره شده مردان زمامدار امور زنان می‌باشند و این قوامیت به خاطر بذل مال شوهر به زنان می‌باشد. اگر به صورت واضح و دقیق به این تفسیر نگاه شود متوجه می شویم که داوم و پایداری خانواده به فرمان بری زن از مرد و همچنین اقداماتی که مرد به واسطه قوامیت در امور اجرایی خانواده دارد مربوط می‌شود به طوری که بر مبنای این تفسیر مشخص می‌شود علت اینکه خداوند متعال بر قوامیت مرد بر زنان تأکید کرده است این است که مرد با توجه به قدرتی که در حوزه های اجرایی دارد و از سوی دیگر زن با توجه به وفاداری که در حوزه زناشویی و همچنین در زمینه فرمان بری در انجام دستورات مرد دارد باعث می شوند که شریط برای تفاهم مناسب در امور زندگی و پیشبرد اهداف و برنامه های آن فراهم باشد. پس مردان با توجه به این آیه یکسری وظایفی در حوزه انتظام بخشی به خانواده دارند که می‌توان به مسائل مربوط به امور اقتصادی همچون پرداخت نفقه و تامین نیازهای اقتصادی خانواده دارند و زن ها هم با توجه به فرمان برداری از مردان می‌توانند زمینه های مناسب برای استحکام پایه های خانواده را داشته باشند.

۵-۲: نقش قوامیت مرد بر کارآمدی خانواده در تفسیر بحرالعلوم

از دیگر تفاسیری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است، مربوط به تفسیر بحر العلوم یا تفسیر سمرقندی می‌باشد. به طوری که در این تفسیر بیان شده که «نزل فی سعد بن الربیع، لطم امرأته بنت محمد بن مسلمة، فجاءت إلى رسول الله صلی الله علیه و سلم، فأمرها رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بالقصاص، فنزل جبریل من ساعته بهذه الآية (سمرقندی، ۱۴۱۲: ۴۱۱) گفتند این آیه در باره سعید بن عمر و زوجه او حبیبه دختر زید بن زهیر که از نقباء انصار بوده نازل شده و چگونگی آن بدین قرار است که روزی سعید عیالش را بعثت نافرمانی می‌زند حبیبه با پدر خود حضور پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب و از سعید شکایت می‌نماید پیغمبر حکم تقاص و تلافی می‌دهد و همینکه پدر و دختر خواستند از خدمت پیغمبر مرخص شوند جبرئیل نازل شده و آیه را می‌آورد پیغمبر به آنها فرمود از قصد خود منصرف شوید و از تقاص صرف نظر کنید ما اراده امری نمودیم ولی خداوند دستور دیگری ابلاغ فرمود و البته آنچه خدا میفرماید اطاعتش واجب است و با نزول این آیه بمناسبت فضل و برتری که خداوند به مردان در زمینه عقل عطا نموده تقاص از شوهران برداشته شد زیرا در بطن آیه خداوند مرد را ولی امر زنان قرار داده و آنها را بر طایفه زنان برتری بخشیده است. در این تفسیر مشاهده می‌شود که استحکام خانواده به واسطه دلایلی که در زمینه برتری مردان بر زنان براساس روایت وحدیثی که از پیامبر اکرم (ص) بیان شده مورد تأکید قرار گرفته است به طوری که بر مبنای این تفسیر مردان به واسطه فزونی عقل و همچنین بر مبنای امر الهی که مردان بر امور زنان تسلط دارند و تادیب آنان را برعهده دارند، می‌توانند بر ساماندهی امور خانواده بپردازند. به طوری که در این تفسیر تأکید می‌شود که مرد با توجه به علم و قدرت و توانمندی که در زمینه انجام امور دارند باعث پایداری بنیان خانواده می‌گردند. بر این مبنا در این تفسیر تأکید شده است که دو مسئله اساسی می‌تواند بنیان و پایه‌های خانواده را در نظام حقوقی اسلام تقسیم کند به طوری که مسئله اصلی مربوط به علم و گستره فهم مردان در حوزه اجرایی خانواده برمی‌گردد به این صورت که از دیدگاهی مفسر قدرت مرد در زمینه های اجتماعی و همچنین در حوزه های اقتصادی خانواده باعث میشود که مرد به تواند نقش موثری در استحکام باشی و امور خانواده داشته باشد و از سوی دیگر مردان با توجه به قدرت و اقتدار ای که دارند می‌توانند از عهده بسیاری از کارهایی که زن ها به واسطه ضعف جنسیتی نمی‌توانند در انجام آنها موفق باشند را انجام دهند پس باید بیان کنیم که از دیدگاه ای موفق مسئله دانایی و یا به عبارت دیگر علم و قدرت مردان نقش اساسی در استحکام بخشی به امورات خانواده داشته است و سبب دوام و پایداری آن می‌گردد.

۵-۳: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر اطيّب البیان

از دیگر تفاسیری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر اُطَيَّبُ الْبَيَانُ فی تفسیر القرآن، نوشته سید عبدالحسین طیب می‌باشد به طوری که در تفسیر اطيّب البیان در این باره اشاره شده که که عقل و تدبیر مردان و استعدادات و قوای بیشتر آنان نسبت به زنان باعث تنظیم گری در امور خانواده می‌شود و این عوامل به نوبه خود بنیان خانواده را تقویت می‌بخشد و این است مفاد بما «فَصَلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» در نهج البلاغه می‌فرماید «هن نواقص العقول و نواقص الحظوظ و نواقص الايمان» (خطبه ۸۰ نهج البلاغه) و مراد از (نقص الحظ) میراث است، و از (نقص ایمان) حیض است. (طیب، ۱۴۱۲: ۱۵۴) و دیگری آنکه مهر و نفقه و کسوت و سکنی بر زوج است و این است مفاد «وَمَا اتَّفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» مراد انفاق در اداء مهر و نفقه و کسوه و سکنی است. بر مبنای این تفسیر مشخص می‌شود دلایلی که باعث می‌شود بنیان خانواده در مسیر درست خود هدایت شود، همان پابندی به مفهوم این آیه در حوزه برتری مردان بر زنان در امور خانوادگی می‌باشد. به طوری که مردان به واسطه فزونی عقل و همچنین زنان به واسطه اینکه از این موهبت الهی آنطور که مردان برخوردار هستند، نمی‌باشند و از سوی دیگر مردان با توجه به وظایف اقتصادی همچون تامین امورات اقتصادی خانواده و پرداخت نفقه و توانایی در انجام سایر امورات زندگی می‌توانند بر امورات خانواده نظارت و ولایت داشته باشند. به طوری که همین سرپرستی مردان مبنای تنظیم بخشی

به امورات روزمره زندگی شده و مجموعه این فرایند باعث میشود که خانواده در حوزه های اجتماعی اقتصادی و غیره در مسیر مناسبی حرکت کرده و موفق باشد.

۵-۴: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر المنار

یکی دیگر از تفاسیری که در زمینه کارآمدی خانواده به واسطه نقش قوامیت مرد بر زنان تأکید کرده است، مربوط به تفسیر المنار نوشته رشید رضا می باشد. از دیدگاه رشید رضا زنان از نظر احساسات و مردان از نظر تعقل و توان جسمی قوی هستند. احکام متفاوت اجتماعی زن و مرد در اسلام، ریشه در این تفاوت دارد. و همین احکام متفاوت توانسته در انسجام بخشی به بنیان خانواده نقش اساسی داشته باشد به طوری که محمد رشیدرضا در تفاسیر خود، راز تفاوت این احکام را در تفاوت مسئولیت های هر یک در اجتماع و خانواده می داند که این تفاوت مسئولیت مبنای موفقیت خانواده در نظام حقوقی اسلامی باشد. رشید رضا دایره قیومیت در آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را شامل تمام اوامر و نواهی شوهر می داند. براین اساس از دیدگاه نویسندگان المنار باید اشاره کنیم که قیومیت در آیه ۳۴ سوره نساء در محیط خانواده و به واسطه حضور زن و شوهر به رسمیت می شناسد و برای قیومیت مردان نسبت به زنان در محیط اجتماعی چنین دیدگاهی ندارد. (رشید رضا، ۱۴۱۲: ۲۲۸) از دیدگاه این مفسر مردان با توجه به وظایف مختلفی که در انجام امور خانواده بر عهده دارند مسئول انسجام بخشی به امور خانواده در حوزه اقتصادی و اجتماعی می باشند و زنان به واسطه اینکه مردان نقش های متعددی را در زندگی به واسطه احکام اسلامی برعهده دارند، آنها هم در یکسری حوزه ها به خصوص در امورات خانوادگی ملزم به رعایت از اوامر و دستورات شوهرانشان می باشد که انجام این امورات و عمل نمودن به این دستورات باعث تقویت حس تفاهم بین زنان و مردان در خانواده شده و این فرایند نوبه خود موجب انتظام بخشی به نظام امور خانواده می گردد.

۵-۵: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر خسروی

از دیگر تفاسیری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان تأکید کرده است مربوط به تفسیر خسروی نوشته علیرضا میرزا خسروانی می باشد. به طوری از دیدگاه وی «قَوَّامُونَ» ای یقومون بامرهن و یحافظون علیهن بمعنای و رعایه تامه: یعنی قائم بر امر زنانه و در کارهای آنان قیام و ایستادگی دارند و در محافظت آنها رعایت و مراقبت دارند. «قَانِتَات» از قنّت یقنّت قنوتا یعنی سکون و اطاعت کامل داشتن و با فروتنی مطیع بودن «لَلْعَنَةِ» یعنی امور پنهانی از امور زناشویی که بر دیگران مخفی است. «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»، ای بحفظ الله ایاهن یعنی بسبب نگهداری خدا آنان را «شُوزَهْنَ» نضت المرأة تنشز و تنشز نشوزا: یعنی سرپیچی و نافرمانی زن از شوهر، و أصل نشوز بمعنی ارتفاع زمین نسبت بحول و حوش آن است «الْمُضَاجِع» جمع مضجع یعنی فراش و خوابگاه «فَلَا تَبْغُوا» ای فلا تطلبوا «شِقَاقَ بَيْنِهِمَا» ای خلافا یقع بینهما: یعنی اختلافی که بین زن و شوهر واقع گردد و شقاق یعنی نزاع و دشمنی که گوئی هر یک از آن دو در شقی و جانبی قرار گرفته اند. «حَكَمًا» بفتح حاء و کاف یعنی کسی که حق و فصل بین طرفین دعوی به او داده شده است. بر همین اساس وی بیان می کند که از حکمت های عالی خداوند که مشیت کامله بر آن قرار گرفته است آن است که (استحکام و پایداری خانواده بر پایه قوامیت مردان بر زنان می باشد) یعنی از شأن و طبیعت آنهاست که بامر زنان قیام کنند و به بهترین وجه در رعایت جانب آنها بکوشند و در پی همین امر است که جهاد و حمایت اعراض و نوامیس و مخارج زنان از مال خویشتن بر آنها فرض گردیده است که انجام این امورات باعث تقویت و انسجام بخشی زندگی خصوصی می شود. (خسروانی، ۱۴۱۲: ۱۹۸)

۵-۶: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر المیزان

از دیگر تفاسیر بسیار ارزشمندی که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده نکات قابل توجهی دارد، مربوط به تفسیر المیزان علامه طباطبایی می باشد. علامه طباطبایی دایره شمول قوامیت را در عبارت: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، اطلاقی تام و تمام را می داند. علامه طباطبایی (ره) معتقد است که تمایزات حقوقی زن و مرد هم در خانواده است و هم در اجتماع. چون از دیدگاه وی مرد هم در

خانواده و هم در اجتماع قدرت مدیریتش بالاتر است. به بیانی دیگر علامه معتقد است که این تمایز هم در عرصه اجتماع است و هم در عرصه خانواده؛ لذا آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را که بسیاری از مفسران می گویند مربوط به زندگی خانوادگی است؛ علامه معتقد است برای تمامی اجتماعاتی است که در آن هم زن حضور دارد و هم مرد. همان سرپرستی است. قام با «با» که متعدی شود مانند «قام بالامر»: اهتمام به امری. با «علی» که متعدی شود، معنای استعلا می دهد: از موضع اقتدار. «قام علیه» بر او مسلط و مسیطر شد. مرحوم علامه طباطبایی دایره قوامیت را به تمام امور اجتماعی تعمیم می دهند. از این دیدگاه زنان نمی توانند متصدی ریاست های عامه شوند؛ حتی به فرض پذیرش اینکه آیه یادشده ناظر بر خانواده است و نه اجتماع، بازهم زنان به دلیل اولویت در مدیریت های اجتماعی ناتوان خواهند بود. از نگاه علامه به دلیل عمومیت دلیل یادشده در آیه، سلطه مردان، عام و مطلق است. وی در تفسیر **بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ عَقْلَ وَتَوَانِيهِ** بدنی را فضل خدا برای مردان می شمارد. در اینکه آیا دو دلیل بیان شده برای قوامیت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ، بِمَا أَنْفَقُوا» علت هستند یا حکمت، اختلاف است و اگر علت باشند، آیا هر دو با هم علت تامه هستند یا هر یک عامل مستقلی اند؟ از «بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ» استفاده می شود که هر دو صنف مرد و زن دارای فضل هستند و فضل مختص مردان نیست. دو معنا برای قوامیت مطرح شده است، سلطه و ولایت و همچنین مراقبت و مسئولیت. عده ای تصریح کرده اند قوامون به معنای دوم است؛ یعنی قیام به امور خانواده و پیگیری در برآوردن نیازهای آن. از دیدگاه علامه در روابط همسران هیچ گاه مقصود از قوامون را ملازم با حق سلب آزادی حقوق فردی و اجتماعی زن نمی داند؛ بلکه اطاعت زن از شوهر را به روابط زناشویی و امور مربوط به استمتاع خلاصه می کند. در یک نتیجه کلی می توان بیان کرد که از دیدگاه صاحب نظران از جمله علامه طباطبایی ریاست مرد بر خانواده پذیرفته شده است و حکمت این ریاست همان پایداری و دوام و استحکام بنیان خانوادگی می باشد.

۵-۷: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر مخزن العرفان

از دیگر تفاسیری ارزشمندی که در زمینه تأثیر قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر مخزن العرفان نوشته بانو نصرت بیگم می باشد به طوری از دیدگاه نویسنده کتاب تفسیر مخزن العرفان در آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» قیم کسی را گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد، و قیام صیغه مبالغه است، و فضل فزونی بعضی است نسبت ببعض دیگر و چون غالباً بالطبع هم در تدبیر و هم در نیرومندی و تحمل شداوند مردها بر اغلب زنها فزونی دارند و چنانچه دانشمندان گفته اند و نیز بتجربه معلوم شده زندگانی زنها احساسی و عاطفی است و بر نازک کاری و ظرافت تکیه دارد باین جهات «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» یعنی و نیز از جهت انفاق مردها بر زنها و مهر و بعضی خصوصیات دیگر فرموده «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» خدای تعالی مردها را در این جهات بر زنها فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زنها از جهت قوت عقلی و نیروی بدنی بطور کلی بر کلی است نه بطور شمول بر تمام افراد زیرا چنانچه معلوم است خیلی از زن هائی بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردها فضیلت دارند. (نصرت بیگم، ۱۴۱۲: ۶۴) از دیدگاه این مفسر هم مشخص می شود عواملی که باعث می شود که مرد نقش ریاستی را در خانواده بر عهده بگیرد مربوط به برتری هایی که از لحاظ جسمی و همچنین از لحاظ عقلی در تدبیر امور خانواده دارد را مربوط می شود. بر این اساس مردها با توجه به وظایفی که در زمینه های اجتماعی و خانوادگی دارند و از سوی دیگر با توجه به توانمندی که خدا در این زمینه در حوزه های عقلی و اجرایی به آنها داده است از این فضیلت و برتری برخوردار هستند. به طوری که برخورداری از این فضیلت باعث می شود که کانون خانواده در یک محیط سالمی ادامه داشته باشد که این مساله باعث انسجام بخشی به امور خانواده در حوزه تقسیم وظایف و انجام امورات خانوادگی می شود.

۵-۸: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر الفرقان

آیت الله صادقی تهرانی در الفرقان می گوید که قاعده کلی قوامیت مردان بر زنان، در بعد تکوین و تشریع است. چون عموماً مردان در این سازندگی در کل نیروی بیشتری از زنان در جهات عقلی، مالی و جسمی دارند که جمیع این موارد باعث حفظ و انسجام امور خانواده در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و زناشویی می شود. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۲: ۳۷۶) از دیدگاه وی در آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» آمده که قوام صیغه مبالغه است،

پس مردان به عنوان قیام بیشتر در سازندگی معرفی شده اند و مسوولیت بیشتری دارند و زنان هم با مسوولیتی نسبتاً کمتر «قائمات علی الرجال»؛ پاسداران مردان هستند. ایشان معتقد است شمول قوامیت و پاسداری نسبت به خود و دیگران دارای مراتبی است که مهم‌ترین مرتبه اجتماعی میان مؤمنین قوامیت در محیط زناشویی است، که هر یک از دو همسر بایستی در دو بُعد پاسدار باشند، نسبت به خود و نسبت به همسر، جز آنکه هر که در پاسداریش نیرومندتر است وظیفه اش نیز سنگین‌تر است، و چنانکه گفتیم مردان نسبت به زنان در دو بُعد پاسداری سنگین‌تری دارند، زنان هم به اندازه توانشان بایستی این دو پاسداری را داشته باشند. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۲: ۳۶) بدین ترتیب باید بیان کنیم که از دیدگاه صادقی تهرانی هم عمل به وظایف که خداوند بر عهده زن و مرد قرار داده باعث می‌شود که دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی آسان‌تر شده، از سوی دیگر آن‌ها با عمل به وظایف خود در حوزه امور خانوادگی می‌توانند به انتظام بخشی به حوزه های فرهنگی، اجتماعی اقتصادی خانواده پرداخته و با همکاری هم دیگر می‌توانند محیط مناسبی را جهت ادامه زندگی مناسب در پیش بگیرند. بر همین اساس مرد و زن هر دو مسئول احیای یکسری از وظایف خود در حوزه و خانوادگی و اجتماعی می‌باشند. به طوری که مرد با توجه به وظایفی که خدا بر عهده وی نهاده است مسئولیت و وظایف سنگین‌تر دارد و بر مبنای این مسئولیت‌ها، عهده دار و سرپرست امور خانواده می‌باشد و با توجه به وظایفی که در این زمینه بر عهده دارد باید امورات اقتصادی خانواده و اجتماعی آن را سازماندهی نموده و با تامین امنیت اقتصادی و فراهم کردن آسایش برای اعضای خانواده زمینه را برای انسجام و پایداری خانواده فراهم نماید.

۵-۹: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر مواهب الرحمن

از دیگر تفاسیری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر مواهب الرحمن نوشته سید عبدالاعلی موسوی سبزواری می‌باشد به طوری که وی اشاره می‌کند که برای اسلام حفظ خانواده و نظم در آن مهم است و این امر نمی‌شود مگر متکی به قوام و عمودی باشد و آن عمود نیست، مگر مرد و بنا بر مصالحی خداوند که در مرد قرار داده این وظیفه به او سپرده شده‌است، زیرا وی می‌تواند در شونی دخالت کند که زن نمی‌تواند در آن موارد دخالت کند. و این هم برای نظم زندگی بشر است. (موسوی سبزواری، ۱۴۱۲: ۱۵۶)

۵-۱۰: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر مبین

از تفاسیری دیگری که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر مبین نوشته محمدجواد مغنیه می‌باشد به طوری که ایشان قوامیت را براساس آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» در مورد حوزه خانوادگی زن و شوهر می‌دانند و نه به طور کلی در حوزه ریاست مردان بر زنان و دیگر اینکه قوامیت مرد در حوزه خانواده باعث پایداری دیگر جوانب خانواده می‌شود به طوری که از دیدگاه وی قوامیت مرد، شرایطی فراهم است که خانواده، مصون از لابلای گری، بی مسئولیتی و سلطه جویی و ظلم، به حکمت و برکات قوامیت مرد دست یابد و از جمله ثمرات آن، نیل به آرامش و شادکامی است. چنین حاکمیتی تنها با رعایت عدالت، عملی است و تعدی از آن، آسیب زا و خطرناک است. (مغنیه، ۱۴۱۲: ۱۱۵)

۵-۱۱: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر نمونه

آیت الله مکارم شیرازی از دیگر فقها و مفسرین معاصر می‌باشند که در زمینه کارآمدی نظام خانواده به واسطه نقش قوامیت مردان نسبت به زنان دیدگاه جامع تری در نظر گرفته اند، به طوری که وی در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند یعنی اینکه مردان در زمینه عمل به وظایف خانوادگی و اجتماعی خود خدمتگذار محسوب می‌شوند. وی بیان می‌کند که برای توضیح این جمله باید توجه داشت که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد، زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند مفهومی ندارد در نتیجه مرد یا زن یکی باید رئیس

خانواده و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد، قرآن در اینجا تصریح می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۷۱) به بیانی واضح تر تفسیر نمونه از آنکه قوام بودن مرد را به معنی رهبری و سرپرستی خانواده می‌گیرد، این موقعیت را معلول وجود خصوصیات مرد می‌داند، مانند غلبه قدرت تفکر بر نیروی عاطفه و احساس و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر، که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه بریزد و با دومی از حریم خانواده خوددفاع کند.

۵-۱۲: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر نور

یکی دیگر از تفاسیر ارزشمندی که در زمینه نقش قوامیت مرد بر زنان و تأثیر آن بر کارآمدی نظام خانواده اشاره شده است مربوط به تفسیر نور نوشته آیت الله محسن قرائتی می‌باشد. وی ابتدا به ترجمه آیه ۳۴ سوره نساء بدین صورت می‌پردازد: مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی و اراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می‌دهند، پس زنان شایسته، فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (حقوق و اسرار شوهر)، در غیاب اویند. و (اما) زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید، پس (نخست) آنان را موعظه کنید و (اگر مؤثر نشد) در خوابگاه از آنان دوری کنید و (اگر پند و قهر اثر نکرد)، آنان را بزنید (و تنبیه بدنی کنید)، پس اگر اطاعت شما را کردند، بهانه‌ای بر آنان (برای ستم و آزار) مجوید. همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است. (قرائتی، ۱۳۸۰: ۱۳۲) از دیدگاه آیت الله قرائتی مردان با توجه به وظایفی که بر طبق آیه ۳۴ سوره نساء و از طرف خداوند بر آنها اعطا شده است، مسئول انتظام بخشی به امورات زندگی و همچنین تنظیم بخشی به وظایف و مسئولیت های خانوادگی می باشند، به طوری که بر طبق این آیه مردان به واسطه قدرت بدنی و همچنین فزونی عقل و همچنین با توجه به وظایفی که در حوزه اقتصادی خانواده ملزم به انجام آن همچون پرداخت نفقه دارند، به عنوان سرپرست خانواده مورد توجه قرار گرفته اند و زنان باید در این حوزه فرمان بردار مردانشان باشند. در غیر این صورت بنیان خانواده پایدار نمی ماند به طوری که عدم توجه به این امورات به نوعی مخالفت با متن این آیه در حوزه اداره زندگی می باشد. پس از دیدگاه وی مردان به واسطه توانایی هایی که در حوزه تامین و اداره زندگی دارند، مسئول تامین امنیت و آرامش خانواده محسوب شده و این به دلیل وظیفه ای است که خداوند واسطه سرپرستی بر عهده آنها قرار داده است تا انسجام خانواده حفظ شود.

۵-۱۳: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر جامع

یکی دیگر از تفاسیری که در زمینه کارآمدی خانواده در تفسیر جامع به واسطه قوامیت مرد اشاره شده است، مربوط به تفسیر جامع نوشته سید محمد ابراهیم بروجردی می‌باشد. وی در تفسیر جامع بیان می‌کند: قوله تعالی «الرَّجُلُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» تا آخر آیه طبرسی در مجمع از جمعی از صحابه روایت کرده که گفتند این آیه در باره سعید بن عمر و زوجه او حبیبه دختر زید بن زهیر که از نقباء انصار بوده نازل شده و چگونگی آن بدین قرار است که روزی سعید عیالش را بعلت نافرمانی می زند حبیبه با پدر خود حضور پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب و از سعید شکایت می نماید پیغمبر حکم تقاص و تلافی می دهد و همینکه پدر و دختر خواستند از خدمت پیغمبر مرخص شوند جبرئیل نازل شده و آیه را می آورد پیغمبر به آنها فرمود از قصد خود منصرف شوید و از تقاص صرف نظر کنید ما اراده امری نمودیم ولی خداوند دستور دیگری ابلاغ فرمود و البته آنچه خدا میفرماید اطاعتش واجب است و با نزول این آیه بمناسبت فضل و برتری که خداوند به مردان عطا نموده تقاص از شوهران برداشته شد زیرا در بطن آیه خداوند مرد را ولی امر زنان قرار داده و آنها را بر طایفه زنان برتری بخشیده است. (بروجردی، ۱۴۱۲: ۶۶) بر همین اساس از دیدگاه آیت الله بروجردی هم مشخص می‌شود که زنان بر مبنای این آیه و بر اساس فرمان الهی لازم به فرمان برداری از مردان در تدبیرات و امورات زندگی می‌باشند و هر گونه تمرد در این حوزه به معنای تمرد از اوامر الهی محسوب می‌شود. چرا که عمل به این دستورات مطابق با فرمایشات خداوند متعال می‌باشد بدین صورت که خداوند متعال تدبیرات امور خانواده را به عهده مردان گذاشته و این مسئله را با توجه به توانمندی هایی که مردم به واسطه جنسیتی از آن برخوردار می باشند؛ قرارداده است. بر این اساس زنان باید در زمینه های زناشویی و همچنین در حوزه های خانوادگی باید فرماندار مردان باشند چرا که اسلام با مذمت روحیه سلطه گری و رفتار چالش برانگیز زن در تحمیل

خواسته ها او را به تعامل صحیح با مرد راهنمایی می‌کند؛ تعاملی که با آن بتوان به زندگی سراسر آرامش رسید. در طرح قوامیت، زوجین در تعامل، بهایی نانوشته می‌پردازند و هم زمان با تأمین متقابل نیازها، سود بزرگی کسب می‌کنند؛ زن با قبول و تمکین در برابر همسر جهت حفظ و تقویت اقتدار مرد او را مجذوب و سرسپرده خود می‌کند و بدین طریق نیاز عاطفی همسرش در اقتدارطلبی را ارضا می‌کند و مرد با حمایت مالی و امنیتی، زن را به ظرفیتی مثبت در نیل به زندگی آرام، سراسر محبت و آرامش مبدل می‌سازد.

۵-۱۴: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر احسن الحدیث

تفسیر دیگری که به بررسی تأثیر سرپرستی مرد بر کارآمدی خانواده پرداخته است. مربوط به تفسیر احسن الحدیث نوشته علی اکبر قرشی بنایی می‌باشد. وی در تفسیر احسن الحدیث بیان می‌کند که مراد از قوامون در آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» سرپرستی خانواده است یعنی در اسلام مرد سرپرست خانواده است نه زن. به دو علت یکی اینکه مردان از حیث تفکر و تعقل و اداره امور و تحمل مشقات بر زنان برتری دارند چنان که زنان از حیث عاطفه و ترحم بر مردان برتری دارند، این امر ایجاب می‌کند که مردان سرپرست خانواده باشند نه زنان. اگر زن سرپرست خانواده و مرد تابع تدبیر او باشد بر خلاف طبیعت هر دو خواهد بود، این دلیل، دلیل طبیعی است. دیگری و بما اُنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ که تأمین مسکن، لباس و خوراک زن به عهده مرد است، لازم است سرپرستی، از آن مسئول و تأمین کننده باشد. این دلیل دلیل قراردادی است یعنی چون تأمین زنان بر عهده مردان گذاشته شده است، پس باید مردان سرپرست باشند. **قَالَصَالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ** به نظر می‌آید بآیه در بما به معنی مقابله باشد، **(قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۴۵۵)** یعنی حالا که مردان سرپرست زنان شدند پس افراد شایسته آنهایی هستند که به شوهران خود در امر سرپرستی مطیعند و حافظات غیبتند یعنی در غیاب شوهر مال شوهر و خودشان را برای شوهر حفظ می‌کنند، نه به مال او خیانت می‌کنند و نه به ناموس او، اینها را انجام می‌دهند در مقابل آنچه خدا از حقوقشان را حفظ کرده و بر عهده مردان قرار داده است. که انجام تمامی این امور و عمل به این وظایف و تعهدات در حوزه خانوادگی نقش بسیار مهمی در انسجام بخشی به امور خانواده دارد.

۵-۱۵: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در ترجمه رساله بدیعه

یکی دیگر از اندیشمندان معاصر که در زمینه تأثیر قوامیت مردان بر زمان براساس آیه ۳۴ سوره نساء نکات درخور توجهی را بیان نموده است، دیدگاه علامه آیت الله حسینی طهرانی می‌باشد. به طوری که وی در کتاب ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال القوامون به نکات زیر در قبال این آیه اشاره می‌نمایند: از دیدگاه آیت الله حسینی طهرانی، قوامون صیغه مبالغه در قیام به امر و عهده دار شدن انجام کار است، و بیش از قَیِّم و قَیِّام بر مبالغه دلالت دارد. و مراد آن کسی است که قیومیت دیگری (مَقُومٌ علیه) را در انجام کاری به گردن گرفته است و بر وی احاطه و قدرت و تسلط دارد و حکمش در حق او (مَقُومٌ علیه) نافذ و جاری است. مثل قیام حاکم بر رعیت و ملت، و امیر بر مأمور، در حفظ و اداره و تدبیر امور و دفاع از آنها در حوادث ناگواری که برایشان پیش می‌آید و موجب خواری و ضعف و سستی آنها می‌گردد. پس قوام یعنی مُسَیْطِر (دارای احاطه توأم با قدرت) و مَقُومٌ علیه کسی است که تحت احاطه و قدرت قوام واقع است، که گوئی حیاتش قائم به او و وجودش محتاج او است. و به تحقیق که برخی از علماء علم النفس (روانشناس) تصریح می‌کنند که مرد در اوان و اوائل بلوغ خود حسن قیومیت نسبت به زنی را در خود می‌یابد که شؤون و امور او را بدست گیرد و او را تحت حمایت و حفاظت خود در آورد. و زن در عنقوان بلوغ در نفس خود احساس نیاز به مردی می‌کند که بر او اتکاء نموده و به اصلی که بر وی اعتماد کند، و دوست نزدیک و همرازی که چون دژ و پناهگاهی برای وی باشد. **(حسینی طهرانی، ۱۳۸۰: ۷۷)** پس براین اساس مشخص می‌شود که مرد باتوجه به اینکه وظایف حساسی در زندگی فردی و اجتماعی برعهده دارد مسئولیت سرپرستی خانواده و تأمین مایحتاج آنان را برعهده دارد بر همین اساس اگر امورات زندگی به واسطه مرد حل و فصل نشود؛ استحکام و پایداری خانواده از بین خواهد رفت.

۵-۱۶: نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده در تفسیر تسنیم

آقای آیت الله جوادی آملی در تفسیر خود می نویسد: قوام در صیغه مبالغه، کسی را گویند که در رسیدگی به امور دیگران، به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری اقدام می کند، پس قوامون در این آیه به معنی شوهرانی است که در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن، اشراف دارند و تعبیر قوام گویای اهمیت موضوع قیومیت شوهر بر همسر است. ایشان ذیل **الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ** می نویسد این جمله، جمله خبری به داعی انشاء و دستور است؛ یعنی خداوند قیومیت و اشراف در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن را برای مرد قرار داده است و مرد باید بر همسرش قوام باشد، چون زن و ناموس او امانتی الهی است که خداوند حفظ و دفاع از او و تأمین نیاز و نفقه اش را بر عهده مرد گذارده است. ایشان در ادامه توضیح می دهد که خداوند به سبب توانایی، صلابت و مدیریت مرد و انفاق هزینه ها، قیّم بودن نسبت به امورخانه را به عهده شوهر نهاده است و اگر مردی این دو صفت را نداشت دیگر قیّم نخواهد بود. چرا که مرد به واسطه این صفات به امورات خانواده و نیازهای آنان رسیدگی می کند. بنابراین اطاعت زن از شوهر، تابع یک اصل کلی است و آن اصل این است که «پیروی از همسر، تنها در مواردی جایز است که اطاعت از وی با دین الهی موافق باشد». معیار وجوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان مرد با دین خداست. بنابراین، بر زن واجب است در امور زناشویی فرمان بر باشد و در شئون زندگی خانوادگی، در هر مورد که اوامر الهی موافق نباشد، نباید خواسته شوهر را اطاعت کند. از سوی دیگر، زن می تواند با شرط ضمن عقد، دامنه وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (جوادی آملی، ۱۴۱۲: ۵۵۶) از دیدگاه وی بی تردید هر کدام از زن و مرد باید در حد توان در استحکام بنیان خانواده بکوشند. بر اساس آیه فوق، اسلام، سرپرستی و نظارت بر امور خانواده را به عنوان نوعی تکلیف بر عهده مردان نهاده است. از این رو هزینه زندگی زنان (مهر و نفقه) و سایر اعضای خانواده، بر عهده آنها است. از سوی دیگر، برای اینکه مرد بتواند به خوبی از عهده مدیریت زندگی برآید، اسلام اطاعت زن از مرد را لازم شمرده و به زن توصیه می کند برای کمال و سعادت خود و خانواده و جامعه اش، از همسرش تبعیت و پیروی معقول و به جا داشته باشد.

۶: گستره و قلمرو قوامیت مرد از دیدگاه مفسران و تأثیر آن بر کارآمدی خانواده

مفسران در مورد اینکه آیا حکم قوامیت مردان بر زنان که در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء مطرح شده است شامل تمام مردان و زنان جامعه می شود یا اینکه فقط مخصوص روابط زن و شوهر در خانواده است اختلاف نظر دارند، به طور کلی می توان نظرات آنها را در این زمینه در دو دیدگاه جای داد. دیدگاه اول از این قرار است که در تمام جامعه و همه امور مردان بر زنان قوامیت دارند به عبارتی حتی در کوچه و بازار هم مردان جامعه بر زنان جامعه قوامیت دارند. در زیر به تعدادی از طرفداران این دیدگاه و نظرات آنها اشاره می شود. علامه طباطبائی می فرماید: از عموم و توسعه علت قوامیت مردان، معلوم می شود که قیومیت منحصر و مخصوص به زن و شوهر نیست بلکه دامنه آن، تمام نوع مرد و زن را فرا می گیرد؛ در تمام جهاتی که زندگی، آن دو را به هم پیوند داده یعنی: جهات اجتماعی همگانی مانند حکومت، قضاوت و دفاع، زیرا این جهات با مساله تعقل که در مردان بالنسبه بیش از زنان است ارتباط مستقیم دارد بنابراین آیه **«الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»** مطلق است. البته ایشان در ادامه نیز چنین می گویند: بدون آنکه استقلال و حقوق فردی زن پایمال گردد و در خواسته و نخواستہ اش مرد حق دخالت داشته باشد به جز در کارهای ناهنجار (طباطبائی، ۱۴۱۲: ۳۴۳) صاحب تفسیر «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن» نیز معتقد است که این مساله به خانواده و زوجیت اختصاص ندارد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۲: ۱۵۸) و ابن عاشور هم می گوید منظور در این آیه مطلق است نه اینکه مردان فقط بر همسران خود قوامیت داشته باشند بلکه مطلق مردان بر همه زنان قوامیت دارند. (ابن عاشور، ۱۴۱۲: ۱۱۳) در تفسیر نور نیز ذیل این آیه آمده است: شرط سرپرستی و مدیریت، لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدمند، و به این خاطر نفرمود، «قوامون علی ازواجهم» زیرا که مسئله ی زوجیت مخصوص زناشویی است و خدا این برتری را مخصوص خانه قرار نداده است. (قراّتی، ۱۳۹۰: ۲۸۲) به نظر می رسد که زمخشری و ابوالفتوح رازی نیز به این دیدگاه عقیده دارند زیرا در ذیل تفسیر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء (آیه قوامیت) می نویسند همه مردان بر زنان قوامیت دارند در همه امور از جمله جهاد، شهادت دادن، قصاص، سهم الارث و طلاق. این مفسران

امور اجتماعی از جمله جهاد و قصاص را هم مورد حکم این آیه می‌دانند و معتقدند که این آیه مخصوص روابط زن و شوهر در خانواده نیست. دیدگاه دوم این است که حکم این آیه مخصوص محیط خانه و خانواده است زیرا اولاً با توجه به آیات قبل و بعد و ادامه همین آیه شریفه می‌توان فهمید که موضوع سخن، احکام زن و شوهر و محیط خانوادگی است زیرا در آیه قبل و «لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» (سوره نساء، آیه ۳۳) به مساله ارث و وارث پرداخته شده و در ادامه همین آیه در مورد نشوز و راه حل های آن بحث شده که همه این موارد فقط در قلمرو خانواده معنا می‌یابد و آیه بعد (سوره نساء، آیه ۳۵) هم حکم شقاق میان زن و شوهر را بیان می‌کند: «وَإِنْ حَقَّتْهُمُ شِقَاقُ بَيْنِهِمَا فَلْيَعْتَوَا حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ» (سوره نساء، آیه ۳۶) آیت الله جوادی آملی می‌گوید: وقتی که زن در مقابل مرد، و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح است، هرگز مرد قوام و قیم زن نیست و زن هم تحت قوامیت مرد نیست. سخن از قوام بودن مرد مربوط به آن جایی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد. (جوادی آملی، ۱۴۱۲: ۲۲۵) ثانیاً همان طور که مفسرانی همچون علامه فضل الله و محمد عبده بیان کرده اند مساله انفاق که در این آیه به عنوان یکی از علت های قوامیت مرد بر زن مطرح شده، فقط در محیط خانوادگی معنا می‌یابد. تنها جایی که وظیفه مرد است از لحاظ مرد بودن، مسئولیت خرجی دادن زن را از لحاظ زن بودن به گردن بگیرد، در دایره زوجیت است زیرا سرپرستی در امور عمومی و اجتماعی ارتباطی با انفاق ندارد؛ بنابراین قوامیت مطرح شده در این آیه صرفاً به حوزه مسائل زناشویی و خانوادگی اختصاص دارد. (فضل الله، ۱۴۱۲: ۲۲۸) بنابراین موضوع انفاق ویژه روابط زناشویی و علت خاص قوامیت شوهر بر زن در خانواده است، ولی فزونی توانمندی تدبیر و اراده در مردان نسبت به زنان علت مشترک ولایت مرد بر زن در جامعه (در امری مانند حکومت، قضاوت، جهاد و...) و قوامیت شوهر بر زن در خانواده است. پس باید اشاره کنیم که بحث «قوامیت» که در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء مطرح شده است فقط در محدوده خانواده و میان زن و شوهر معنا می‌دهد. در نتیجه به نظر می‌رسد که دیدگاه دوم صحیحتر است، البته طرفداران دیدگاه اول که عقیده دارند، در جامعه در امری مانند: حکومت، قضاوت، شهادت و ... مردان بر زنان قوام هستند درست است اما اینکه آیه شریفه به این امور مربوط است سخنی خطا است، چرا که آیه فقط مخصوص امور خانوادگی است.

۷: نتیجه گیری

در این پژوهش با تأکید بر دیدگاه مفسرین معاصر نقش قوامیت بر کارآمدی خانواده مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که خانواده و روابط بین زوجین، از جمله موضوعات مورد توجه در آموزه‌های اسلام (آیات و روایات) و همچنین دیدگاه مفسرین بوده که دستورالعمل‌ها و راهکارهای زیادی در این زمینه بیان شده است. چگونگی تشکیل خانواده، شرایط و ضوابط حاکم بر روابط زوجین، وظایف، تکالیف و حقوق هریک نسبت به دیگری و ... در آیات و احادیث زیادی مورد توجه قرار گرفته است. دیدگاه مفسرین نشان می‌دهد که منطق تعامل خانوادگی می‌تواند به زن و مرد تکالیفی متناسب با وضعیت جسمی و روحی بر عهده داشته باشد. این سخن بدان معناست که بار هزینه خانواده بر عهده مرد باشد (به دلیل توان جسمی و تعقل و تفکر بیشتر) و بار تربیتی و عاطفی خانواده با زن باشد (به دلیل برخورداری زنان از قدرت احساسات عاطفی بیشتر). در صورت تحقق این رویکرد در خانواده، زندگی مشترک زوجین قوام و استحکام دو چندان می‌یابد. قریب به اتفاق مفسرین علت فضیلت مرد بر زن را چند چیز دانسته اند؛ قدرت جسمی؛ عقل بیشتر؛ انفاق اموال؛ برخی امور اجتماعی از قبیل کار قضاوت یا جهاد و غیره. تمامی مفسران به فضیلت و برتری زنان که در ادامه آیه آمده اشاره کرده اند و آن را متقابل دانسته، با این تفاوت که وظایف و مسوولیت اجرایی مردان بیشتر از زنان هست؛ بنابراین آیه هرگز در مقام بیان برتری مردان بر زنان نبوده، بلکه تنها تکالیف زن و مرد را گوشزد کرده است. یافته های پژوهش از دیدگاه مفسرین و همچنین اندیشمندان اسلامی در حوزه تاثیر قوامیت مرد بر پایداری نظام خانواده نشان دهنده این است که اگر جمعی از افراد متصدی اجرایی یک امری باشند، یک نفر هم باید ریاست این جمع را برعهده داشته باشد تا با هدایت و رهبری این جمع بتواند مسوولیت اجرایی آن را به سرانجام رسانده و از هرج و مرج در انجام امور کارها جلوگیری کند. سرپرستی مرد در در انسجام بخشی به نظام امور خانواده هم ناشی از همین وضعیت می باشد، به طوری که مردان به واسطه خصوصیتی که از آن برخوردار می باشد و همچنین به واسطه تفاوت های جسمانی و روانی که با زنان

دارند، نقش مناسب تری در انجام مدیریت امور خانواده و انسجام بخشی به امورات آن را دارند. به طوری که مردان به واسطه قوه تعقل بیشتر و همچنین غلبه بر عاطفه و احساسات و از سوی دیگر با توجه به بنیه و قدرت جسمانی بیشتری که در اختیار دارند می توانند در انجام امور اجتماعی و همچنین حفاظت از حریم خانواده نقش قابل توجهی را داشته باشند. از سوی دیگر مردان با توجه به اینکه مسئول پرداخت هزینه های زندگی و پرداخت نفقه زن و هزینه های فرزندان می باشند مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند. براین اساس باید بیان کنیم که مردان با توجه به برتری تعقل و همچنین وضعیت جسمانی توانمندی، استعداد و توانایی بیشتر در زمینه مدیریت امور خانواده نسبت به زنان دارند و این برتری به واسطه محبت فطری که خداوند بر عهده وی قرار داده، مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که به مرد به واسطه این موهبت می تواند مدیریت اجرایی امور خانواده را برعهده گرفته و با انجام وظایفی که بر عهده دارد باعث تحکیم و استحکام بنیان خانواده شود. مسئله دیگری که از دیدگاه مفسرین شیعه مورد توجه قرار گرفته، این است که واگذاری سرپرستی خانواده به مردان و همچنین پرداخت هزینه های زندگی، همچون مهر زنان و نفقه آنها نتیجه یک دوراندیشی ماهرانه ای می باشد که خداوند متعال جهت هماهنگی امور و همچنین بهبود روابط مرد و زن و همچنین عمیق تر کردن پیوند آنها به کار برده است. به طوری که این تدبیر ماهرانه بیانگر وظایفی است که خداوند بر عهده زنان و مردان در زمینه انسجام خانواده و مدیریت آن برعهده آنها واگذار نموده است، به طوری که حکمت الهی اقتضا کرده است تا مردم به واسطه برخورداری از تعقل بیشتر و به دلیل تفاوت های جسمانی و روانی که با زنان دارند و با توجه به توانمندی هایی که در انجام امور و چاره اندیشی در حوزه خانوادگی و تامین نیازهای مادی خانواده و به واسطه داشتن روحیه سودجویی و پرخاشگری و صلابت بهترین گزینه جهت سرپرستی خانواده در جهت تقویت بنیان و پایداری آن می باشد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- (۱) ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹)، «تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)»، عربستان ریاض، ناشر، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم
- (۲) ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۱۹)، «التحریر و التنبییر»، بی جا
- (۳) ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی (۱۴۲۰)، «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی چاپ سوم
- (۴) امین، نصرت بیگم (۱۳۹۰)، «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن»، تهران: نهضت زنان مسلمان
- (۵) بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، «تفسیر جامع»، ناشر: کتابخانه صدر، تهران، چاپ: ششم
- (۶) جوادی، عبدالله (۱۳۸۹)، «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء
- (۷) جوادی، عبدالله (۱۳۹۲)، «زن در آینه جلال و جمال الهی»، قم: مرکز نشر اسراء
- (۸) حسینی الواسطی الزبیدی الخنقی، محب الدین ابی فیض سید محمد مرتضی (۱۴۱۴)، «تاج العروس من جواهر القاموس»، بیروت: دارالفکر چاپ سوم
- (۹) حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، «ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء: درسهای استدلالی در جهاد و قضاوت و حکومت زن»، انتشارات علامه طباطبایی
- (۱۰) خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «تفسیر خسروی»، ناشر کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ اول
- (۱۱) الخویشرتونی، سعید (۱۴۲۷)، «اقرّب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد»، تهران: دار الاسوه للطباعة و النشر، چاپ دوم

- ۱۲) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، «مفردات ألفاظ القرآن»، صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه
- ۱۳) رشید رضا، محمد (۱۴۱۴)، «تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار»، لبنان بیروت، ناشر: دار المعرفة، چاپ اول
- ۱۴) سبزواری نجفی، محمدبن حبیب الله (۱۴۰۶)، «الجدید فی تفسیر القرآن المجید»، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
- ۱۵) سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶)، «تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم»، لبنان بیروت، ناشر: دار الفکر، چاپ اول.
- ۱۶) صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸)، «ترجمان فرقان»، قم: شکرانه
- ۱۷) صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة»، تهران: فرهنگ اسلامی
- ۱۸) طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، «ترجمه تفسیر المیزان»، جامعه مدر سین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم
- ۱۹) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، «تفسیر جوامع الجامع»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۰) عبدالاعلی موسوی سبزواری (۱۴۰۹)، «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن»، بیروت: موسسه اهل بیت چاپ دوم
- ۲۱) فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، «العين»، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، مهدی مخزومی؛ ابراهیم سامرائی و محسن آل عصفور، قم: موسسه انتشارات هجرت، چاپ چهارم
- ۲۲) فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، «من وحی القرآن»، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر چاپ دوم
- ۲۳) قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، «تفسیر نور»، ناشر: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، چاپ اول
- ۲۴) قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۴)، «تفسیر احسن الحدیث»، نشر: تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ سوم
- ۲۵) قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸)، «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
- ۲۶) کریمی حسینی، عباس سید (۱۳۸۲)، «تفسیر علیین»، قم: اسوه
- ۲۷) مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، «تاج العروس من جواهر القاموس»، محمد بن یعقوب فیروزآبادی و علی شیری، بیروت: دار الفکر، چاپ چهارم
- ۲۸) مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، «تفسیر روشن»، تهران: مرکز نشر کتاب
- ۲۹) مظهری، محمدثناالله (۱۴۱۲)، «التفسیر المظهری»، تحقیق غلام نبی تونسلی. پا کستان: مکتبه رشدیة
- ۳۰) مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵)، «التفسیر المبین»، ناشر: دار الکتاب الإسلامی، چاپ سوم
- ۳۱) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیة
- ۳۲) موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۲۱)، «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (سبزواری)»، چاپ سوم